

صورت‌بندی مسائل شیوه پالایش (فیلترینگ) فضای مجازی در ایران

محمد صادق نصراللهی*

چکیده

مسئله پژوهش پالایش یا فیلترینگ فضای مجازی، علاوه بر آنکه به عنوان یک اقدام سلبی سالم‌سازی فضای مجازی تلقی می‌شود، اما همواره امری چالش برانگیز بوده و تبعات جدی اجتماعی خویش را داشته است. این در حالی است که این اقدام، همواره در دستور کار جمهوری اسلامی ایران بوده است. سؤال این پژوهش آنست که اقدام حاکمیتی فیلترینگ، از چه مسائل و مشکلاتی رنج می‌برد و این مسائل و مشکلات چگونه صورت بندی می‌شود.

روش پژوهش: روش جمع آوری این مقاله «مصاحبه نیمه‌ساخت یافته با خبرگان» و روش تحلیل آن «نظریه پردازی داده‌بنیاد» است. تلاش شده است که با بهره‌گیری از طرح نظام‌مند و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مدل پارادایمی مسائل شیوه پالایش فضای مجازی در ایران ترسیم شود.

یافته‌های پژوهش: از منظر این مقاله، مشکل محوری و هسته‌ای شیوه پالایش در ایران، «متمرکز بودن و حاکمیتی بودن آن» است. این پالایش متمرکز حاکمیتی، از مشکلاتی همچون: یکسان‌انگاری کاربران، پراشتباه بودن، تخلف از قانون، سلیقه‌گرایی پایش‌گر، حداکثری بودن، امکان دور خوردن رنج می‌برد. اهم علل به وجود آورنده چنین پالایشی، تهدیدانگاری فضای مجازی، یکه‌تازی پالایش در سالم‌سازی و سیاست‌زدگی حاکم بر آن است. به نظر می‌رسد ضعف سواد فضای مجازی کاربران و همچنین عدم اقناع آنها نسبت به فیلترینگ از شرایط مداخله‌گر مهم بر این نوع پالایش است. همچنین باز بودن معماری فضای مجازی و آلوده بودن فضای فرهنگی واقعی از زمینه‌های حاکم بر

آن است. طبیعتاً چنین پالایشی تبعات جدی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... دارد که در مقاله تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: پالایش، فیلترینگ، فضای مجازی، فضای سایبر، کنترل و نظارت

۱. مقدمه و تبیین مسئله

با ظهور اینترنت و فضای مجازی، شاهد شکل‌گیری عصری جدید موسوم به عصر اطلاعات هستیم. عصری که در آن داشتن اطلاعات به عنوان اصلی‌ترین سرمایه و منبع قدرت تلقی می‌شود. همین جایگاه خاص اینترنت سبب شده است که علاوه بر منافع و مزایای فراوان آن، مورد سوء استفاده‌ها در عرصه‌های ملی و بین‌المللی قرار گیرد. همین امر سبب شده است که تدابیر حاکمیتی و بین‌المللی جهت کنترل و نظارت بر آن طراحی و اجرا شود.

یکی از این تدابیر در سطح حاکمیتی، پالایش و فیلترینگ فضای مجازی است. حاکمیت‌ها به اشکال مختلف تلاش می‌کنند که از انتشار و دسترسی اطلاعات مجرمانه جلوگیری به عمل آورند. امروزه پالایش فضای مجازی در اکثر کشورهای جهان، کم یا زیاد اجرا شده است و می‌توان گفت که یک اقدام ثابت و لازم جهت ایجاد فضای مجازی سالم است.

در کشور ما نیز از بدو ورود اینترنت به کشور، سامانه پالایش خریداری و نصب شده و اعمال پالایش، جزء سیاست‌ها و اقدامات ثابت سالم‌سازی فضای مجازی بوده است. علاوه بر استمرار دائمی این اقدام سیاستی، همواره حوزه‌ای مورد چالش بوده است، در همین زمینه، آخرین مصداق چالش برانگیزی آن، فیلترینگ تلگرام در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ بوده است که با توجه به ضریب نفوذ این پیام‌رسانه اجتماعی، موجی از نارضایتی‌های نخبگانی و عمومی را در پی داشته است.

این مقاله با اتخاذ رویکردی سیاست‌گذارانه، در پی آن است که الگویی جامع از مسائل و مشکلات شیوه پالایش فضای مجازی ارائه نماید. این مقاله بر این باور است که ارائه راه‌حل‌ها و سیاست‌های مطلوب و مناسب هر حوزه‌ای، منوط و مشروط به صورت‌بندی و کشف دقیق مسائل و مشکلات آن حوزه است.

در جهت تحقق این هدف، ابتدا ذیل سرعنوان «مفهوم‌شناسی»، دو اصطلاح «صورت‌بندی مسائل» و «پالایش فضای مجازی» تعریف شده؛ سپس، با عنوان «روش پژوهش»،

روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تبیین گشته؛ در نهایت نیز با سرفصل «تحلیل داده‌ها»، مدل پارادایمی مسائل شیوه پالایش فضای مجازی ترسیم شده است.

۲. پیشینه پژوهش

مروری کوتاه بر آثار علمی موجود نشان می‌دهد که در ۲-۳ سال اخیر، تنها ۶ مقاله علمی در حوزه پالایش فضای مجازی نگاشته شده است. این مقالات را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: ۱- ضرورت اصل فیلترینگ ۲- سیاست پژوهی فیلترینگ ۳- مسئله‌یابی خرد فیلترینگ. در دسته اول، اسماعیلی و نصراللهی (۱۳۹۵)، با نگارش مقاله‌ای با عنوان «پالایش فضای مجازی؛ حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی» حکم فقهی اصل پالایش و بایسته‌های شرعی آن را تشریح کرده‌اند. «وجوب نهی از منکر و حرمت تعامل با کتب ضلال»، از ادله وجوب پالایش در این مقاله است. در کنار آن ۹ بایسته فقهی نیز پیشنهاد شده است. حسین‌نژاد و منیری حمزه‌کلایی (۱۳۹۶) نیز، مقاله‌ای دارند تحت عنوان «تحلیل و بررسی فقهی اجرای فیلترینگ در فضای مجازی» که طی آن ادله فقهی وجوب فیلترینگ را همچون قاعده نفی سبیل، حرمت حفظ کتب ضاله، قاعده مصلحت و امر به معروف و نهی از منکر را تشریح می‌کند.

در دسته دوم می‌توان «مقاله واکاوی پالایش محتوای مجرمانه از منظر فقهی» را به عنوان اولین کار در سال ۹۴ به نگارش جاویدنیا، عابدی سرآسیا و سلطانی نام برد که در آن تلاش شده است سیاست‌های کلی مشترک عرصه دفاع در فضای مجازی تبیین شود. مواردی همچون: آمادگی در برابر تهاجم‌های سایبری، پرهیز از رابطه اینترنتی با دشمنان دین، نهی از ورود به محافل اینترنتی دشمنان خدا و بدعت‌گذاران، پایه‌ریزی نظام خودجوش پالایش از درون جامعه و خانواده، برخورد توأم با حفظ کرامت انسانی در پالایش، ایجاد فضاهای مجازی طرح شبهات و پاسخ به آنها در مقام دفاع. در مقاله دیگری با عنوان «درآمدی بر سیاست‌های فیلترینگ سایت‌های اینترنتی» در سال ۱۳۹۴، علی سعد تلاش کرده است که مروری بر بایسته‌های پالایش داشته باشد. در این جهت ابتدا به طور خیلی مختصر الگوهای آمریکا، چین و اتحادیه اروپا را مرور کرده و ضمن احصای فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی، سه مقوله «پرورش گلخانه‌ای»، «سواد رسانه‌ای» و «تشکل‌های مردمی» را در پالایش بررسی می‌کند. «اصول پالایش پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی» به نگارش عباس اسدی و حامد بابازده مقدم، اثر دیگری است که در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است. این مقاله

ضمن محدود کردن موضوع خود به رسانه‌های خبری در فضای مجازی، اصولی خاص را در پالایش آنها همچون مداخله حداقلی دولت‌ها، قانون‌مندی، شفافیت، امکان دادخواهی، هوشمندی و آموزش بر اساس اسناد حقوق بشری، مصوبات یونسکو و توصیه‌نامه‌های شورای اروپا پیشنهاد می‌دهد.

در نهایت در دسته سوم، رحمتی و شهریار (۱۳۹۶) در مقاله «فیلترینگ و دشواری تزامم اخلاقی»، موقعیت‌های متزامم اخلاقی در فیلترینگ را همچون «راست‌گویی-پرهیز از اشاعه گناه»، «حفظ حریم خصوصی-خبررساندن به دیگران»، «مجازات خطاکار-عدم تنبیه بی‌گناه»، «خدمت به مردم-عدم ایجاد بدبینی نسبت به دین»، «حفظ حقوق شهروندان-حفظ بیت‌المال» احصاء کرده و در نهایت ارائه راهکار می‌دهند.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که تمایز این مقاله با آثار پیشین از دو جهت است: ۱- هیچ یک از مقالات مسائل پالایش را به شکل جامع جمع‌آوری و تبیین نکرده‌اند و بیشتر با فرض مسائل، اصول و بایسته‌های آن را احصاء کرده‌اند. شاید تنها مقاله نزدیک، مقاله آخر باشد که از دریچه اخلاق به موضوع نگاه کرده است. ۲- همه مقالات از طریق روش کتابخانه‌ای به پالایش پرداخته‌اند؛ این در حالی است که در این مقاله تلاش می‌شود که با روش‌های میدانی کیفی، مسائل پالایش احصاء شود.

۳. مفهوم‌شناسی

۱.۳ صورت‌بندی مسئله

صورت‌بندی یا سازماندهی مسئله فرایندی است که طی آن سعی می‌شود یک مسئله و مشکل تشخیص و تعریف شود. بنابراین تشخیص مسئله (Problem Recognition) و تعریف آن (Problem Definition) دو مرحله اساسی صورت‌بندی مسئله است. در واقع در صورت‌بندی مسئله تلاش می‌شود که مسئله به مقوله‌ای قابل درک و تحلیل تبدیل شود، تا زمینه لازم برای اقناع سیاست‌گذاران و دست‌اندارکاران حاکمیتی نسبت به قرارگیری مسئله در دستور کار سیاستی فراهم شود. بنابراین یک تحلیل‌گر سیاستی یا یک سیاست‌گذار در قدم اول سیاست‌گذاری باید ذهنیت روشنی از مشکل پیش‌رو داشته باشد. یافتن این ذهنیت روشن طی فرایند صورت‌بندی مسئله حاصل خواهد شد. همانطور که گفته شده این فرایند ترکیبی است از دو مرحله تشخیص مسئله درک مسئله) و تعریف مسئله (قضاوت ارزشی)

نسبت به مسئله. این دو مرحله کاملاً متفاوت از یکدیگر هستند. یک زمان انسان در مواجهه با یک پدیده، آن را مشکل تلقی می‌کند و زمانی دیگر، نسبت به ماهیت آن مشکل و عوامل ایجادکننده آن تحلیل ارائه می‌دهد. مورد اول، تشخیص یا درک مشکل است و مورد دوم، فهم یا تعریف مشکل. (وحید، ۱۳۸۸، ص ۷۷) علی‌القاعده، درک مشکل بر تعریف آن تقدم زمانی دارد و بلکه لازمه آن است. به بیان دیگر، اگر بخواهیم مشکلی را تحلیل کنیم (استخراج اجزاء و عوامل)، ابتدا باید آن را درک و احساس کنیم. وحید (۱۳۸۸، ص ۸۰) درباره تعریف مشکل می‌نویسد:

تعریف باید به گونه‌ای ارائه شود که به تبع آن بتوان راه‌حل‌های عملی برای حل مشکل در نظر گرفت؛ ... همچنین مشکل باید به گونه‌ای تعریف شود که علاوه بر ایجاد تلقی وجود راه‌حل‌های ممکن، حل مشکل را به دایره مسئولیت‌های اقتدار عمومی مربوط کند.

تعداد قابل توجهی از الگوهای سیاست‌گذاری که موسوم به الگوهای مرحله‌ای یا چرخه‌ای هستند، فرایند خود را با «صورت‌بندی مسئله» آغاز می‌کنند. صورت‌بندی مسئله، به سان بنیان و پایه‌ای است که اگر صحیح و مستحکم نهاده شود، صحت و استحکام بنای متکی بر آن را تضمین می‌کند. چه بسیار سیاست‌گذاری‌های نادرستی که به دلیل تشخیص اشتباه مسئله رخ داده و چه فراوان، سیاست‌گذاری‌های ناکام و بی‌نتیجه‌ای که از ابهام در مسئله رنج می‌برند. دان در همین رابطه می‌نویسد: «اهمیت بالای صورت‌بندی مشکل از آن رو است که عدم موفقیت تحلیلگران سیاستی در حل هر مشکل اغلب ناشی از اشتباهی گرفتن آن مشکل و ارائه راه حل برای مشکل نادرست می‌باشد. تنها حجم کمی از ناکامی‌های تحلیلگران ناشی از ارائه راه حل‌های نادرست برای مشکل صحیح توسط آنها می‌باشد.» بنابراین، یکی از نقاط عطف در سیاست‌گذاری عمومی، صورت‌بندی مسئله است. (Dunn, 2007, P.72)

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که در سیاست‌گذاری عمومی، صورت‌بندی مسئله، اگرچه اولین مرحله و شروع سیاست‌گذاری به حساب می‌آید، اما در عین حال مهمترین و راهبردی‌ترین مرحله آن نیز به حساب می‌آید. جهت تقریب ذهن می‌توان به ضرب‌المثل مشهور «فهم مسئله، نصف حل مسئله است.» اشاره نمود که در سیاست‌گذاری عمومی که به دنبال حل مسائل عمومی جامعه هستیم، فهم و مهندسی مسئله، نصف راه حل مشکل به حساب می‌آید.

۲.۳ پالایش فضای مجازی

واژه «پالایش»، معادل فارسی واژه «فیلترینگ» در نظر گرفته شده است. واژه «فیلتر» در لغت‌نامه‌های زبان انگلیسی، در دو جایگاه اسمی و فعلی آمده است. فیلتر به عنوان اسم نوعاً به وسیله‌ای برای تصفیه مایعات و گازها از ناخالصی‌ها گفته می‌شود. در کنار این معنای غالبی، از وسیله‌ای برای کنترل نور، صدا و ... نیز سخن به میان آمده است. آنچه که برخی لغت‌نامه‌ها به آن اشاره دارند که به معنای اصطلاحی ما نیز نزدیک می‌شود فیلتر به عنوان برنامه‌ای برای تصفیه کردن اطلاعات و محدود کردن انتقال آن است. در مجموع، درون‌مایه معنایی فیلتر در جایگاه اسمی آن، وسیله تصفیه کردن، ابزار محدود کردن عبور هر چیز، حذف کردن مواد ناخواسته و ... است. فیلتر در واقع همان چیزی است که در زندگی روزمره ما تحت عنوان صافی شناخته می‌شود (شکرخواه، ۱۳۷۰، ۴۴) و اجازه می‌دهد که ما بر اساس اندازه گره‌های صافی، مایعاتی مانند آب و شربت را از مواد ناخالص آن بزداییم و آن را تمیزتر و خالص‌تر کنیم. برای فیلتر به این معنا می‌توان معادل فارسی مناسب «پالایه» را برگزید.

اما معنای فعلی فیلتر نیز جدا از معنای اسمی آن نیست. اگر فیلتر اسمی ناظر به ابزار تصفیه و ممانعت است، فیلتر به عنوان فعل ناظر به عمل تصفیه کردن و ممانعت کردن است (موپریس، ۱۹۸۲، ۴۹۲ و سامر، ۲۰۰۸، ۵۹۲ و ۵۹۳ و ویمیر، ۲۰۰۵، ۵۷۳ و ۵۷۴). بر همین اساس، فیلترینگ به عنوان مصدر، به معنای «تصفیه و ممانعت» است.

برخی تعاریف اصطلاحی علم کامپیوتر، پالایش و فیلترینگ را به دو معنای عام و خاص به کار برده‌اند. معنای عام فیلترینگ عبارت است از: فناوری‌هایی که از دستیابی به انواع خاص اطلاعات یا بسته‌های ویژه‌ای از محتوای اینترنتی در دسترس، جلوگیری به عمل می‌آورد. اما تعریف خاص فیلترینگ عبارت است از جلوگیری از دسترسی به اطلاعات بر مبنای محتوای اطلاعات و نه آدرس سایت (گرینفیلد و دیگران، ۲۰۰۱، ۵) که این معنای خاص از فیلترینگ بیشتر در مقابل واژه «بلوک کردن» به کار می‌رود. طبق این تفکیک، ما سایت را بلاک می‌کنیم و محتوا را پالایش و فیلتر. پس هنگامی که دسترسی به کل یک سایت ممنوع شده است، در اصطلاح گفته می‌شود سایت بلاک شده و در صورتی که بخشی از محتوای آن ممنوع شده باشد، فیلتر شده است. نکات قابل برداشت از تعریف، غیر از تفکیک مذکور، عبارتند از: ۱- اصل فیلترینگ امر فنی است. ۲- فیلترینگ بر خلاف تعریف پیشین در مرحله دسترسی به اطلاعات و نه در مرحله انتقال، تولید و ارسال اجرا

می‌شود. این بدان معناست که فیلترینگ نسبت به ارتباط‌گیر و گیرنده اعمال می‌شود. بر این اساس اطلاعات به صورت کلی در جریان است، به محض درخواست دریافت محتوایی خاص از سوی کاربر و ارتباط‌گیر، فیلترینگ اعمال می‌شود. ۳-فیلترینگ ناظر به اطلاعاتی است که در بستر اینترنت است و نه شبکه‌های دیگر.

در پایان اگر بخواهیم تعریف نهایی مورد نظر در این مقاله را ارائه کنیم، باید گفت که پالایش عبارت است از: «جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات به شکل هدفمند و ساختارگونه توسط مقام صلاحیت‌دار در فضای مجازی».

۴. روش پژوهش

روش جمع‌آوری داده در این مقاله، «مصاحبه نیمه ساخت یافته با خبرگان، متخصصان و افراد مطلع» است. «افراد مطلع یا کارشناس، افرادی هستند که در موضوع مورد بررسی اطلاعات و تجارب ارزنده‌ای دارند.» (لیندلو و تیلور، ۱۳۸۸: ۲۳۲) «در این نوع مصاحبه، به مصاحبه شونده، نه به عنوان یک شخص بلکه به قابلیتش به عنوان متخصص در یک حوزه خاص توجه می‌شود» (فلیک، ۱۳۹۱: ۱۸۳). طبیعتاً برای کشف مسائل و مشکلات شیوه‌پالایش فضای مجازی در ایران، خبرگان و متخصصان این حوزه، مهمترین و با ارزش‌ترین منابع اطلاعاتی هستند.

با توجه به اینکه روش تحلیل مصاحبه‌ها، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است، طبیعتاً از روش «نمونه‌گیری نظری (Theoretical sampling)» که مورد توصیه این روش است، برای انتخاب و گزینش مصاحبه‌شوندگان استفاده می‌شود. نمونه‌گیری نظری عبارت است از «نمونه‌گیری ای که بر مبنای مفاهیمی که ارتباط نظری آنها با نظریه در حال تکوین به اثبات رسیده است» (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۷۵)، انجام می‌پذیرد.

مطالعات و بررسی‌های اولیه نگارنده نشان می‌دهد که در نمونه‌گیری نظری متخصصان در جهت ایجاد بیشترین تناسب و تنوع، بین دو گروه از خبرگان حوزه‌پالایش می‌توان تفکیک ایجاد کرد: ۱-خبرگان علمی ۲-خبرگان اجرایی. دسته اول کسانی هستند که در حوزه‌های نظری و دانشگاهی مرتبط با پالایش فضای مجازی در ایران مطالعات جدی و متمرکز داشته‌اند. آنچه که در مورد این گروه برای مقاله مهم و ملاک انتخاب جهت انجام مصاحبه بوده، تمرکز مطالعاتی فرد خبره در سوابق و تجربیات علمی او است. اما دسته دوم یعنی خبرگان اجرایی، ناظر به اشخاصی است که تجربیات و فعالیت‌های جدی و قابل

توجهی در حوزه پالایش در سازمان‌ها و نهادهای اجرایی مرتبط و درگیر دارند. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که نهادهای اصلی عبارتند از: ۱- شورای عالی فضای مجازی و مرکز آن (به عنوان سیاست‌گذار)، ۲- کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه اینترنتی (به عنوان مقررات‌گذار) ۳- شرکت ارتباطات زیرساخت (به عنوان مجری) ۴- بخش خصوصی (خدمات‌دهندگان دسترسی، میزبانی، نام دامنه، محتوا و خدمت).

نهایتاً آنچه در صحنه عمل در این مقاله محقق شده، ۳۱ عدد مصاحبه با مجموعاً ۲۹ نفر خبره و متخصص است.^۱ از این تعداد، ۱۵ نفر خبره علمی و ۱۱ نفر خبره اجرایی و ۳ نفر خبره علمی-اجرایی بوده‌اند. از مجموع خبرگان علمی، ۲ نفر کارشناس حوزه فنی پالایش، ۶ نفر کارشناس حوزه فرهنگ و ارتباطات فضای مجازی، ۴ نفر کارشناس حوزه حقوق فضای مجازی، ۳ نفر کارشناس فقه فضای مجازی بوده‌اند. همچنین از مجموع خبرگان اجرایی، ۳ نفر از مرکز ملی فضای مجازی، ۵ نفر از کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه، ۱ نفر از پلیس فتا، ۱ نفر از بخش فناوری اطلاعات یک دانشگاه در تهران و ۱ نفر از یک شرکت خصوصی فعال در امر پالایش بوده‌اند. از میان ۳ نفر خبره علمی-اجرایی نیز، ۱ نفر مدیر ارشد سابق مرکز ملی فضای مجازی و دکتری مخابرات، ۲ نفر نیز مدیر وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و متخصص علمی پالایش می‌باشند. مشخصات و سنخ‌شناسی مصاحبه‌شوندگان به شرح ذیل می‌باشد:^۲

جدول ۱- سنخ‌شناسی مصاحبه‌شوندگان

شماره خبره	نوع خبره	سمت/تخصص خبره
	اجرایی	مدیر ارشد در کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه
	اجرایی	کارشناس در کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه
	علمی	حقوق
	اجرایی	نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه
	علمی	فناوری اطلاعات و ارتباطات
	علمی	فرهنگ و ارتباطات
	اجرایی	کارشناس کارگروه فرهنگی-اجتماعی مرکز ملی فضای مجازی
	اجرایی	کارشناس کارگروه فرهنگی-اجتماعی مرکز ملی فضای مجازی

نماینده سازمان صدا و سیما در کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه	اجرایی	
فرهنگ و ارتباطات	علمی	
فناوری اطلاعات و ارتباطات	علمی	
کارشناس پلیس فتا	اجرایی	
مخابرات- مدیر ارشد مرکز ملی فضای مجازی	علمی-اجرایی	
فرهنگ و ارتباطات	علمی	
فرهنگ و ارتباطات	علمی	
مدیر فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه	اجرایی	
فقه	علمی	
کارشناس شرکت فعال در حوزه پالایش	اجرایی	
حقوق	علمی	
فرهنگ و ارتباطات	علمی	
حقوق	علمی	
حقوق	علمی	
فناوری اطلاعات و ارتباطات	علمی-اجرایی	
فقه	علمی	
فناوری اطلاعات و ارتباطات	علمی-اجرایی	
کارشناس معاونت امنیت مرکز ملی فضای مجازی	اجرایی	
فقه	علمی	
فرهنگ و ارتباطات	علمی	
عضو کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه	اجرایی	

روش تحلیل داده‌ها در این مقاله، روش «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» است. در تعریف این روش آمده است:

آنچه که به طور استقرایی (Inductive) از مطالعه پدیده‌ای به دست آید و نمایان‌گر آن پدیده است. به عبارت دیگر آن را باید کشف کرد، کامل نمود و به طور آزمایشی از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از آن پدیده نشأت گرفته است، اثبات نمود (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۲).

طبق این تعریف، روش داده‌بنیاد، روشی استقرایی است؛ یعنی جهت کشف واقعیت، از جزء به کل حرکت می‌کنیم. لذا از واقعیت‌های جزئی به واقعیت‌های کلی می‌رسیم. اگر بناست مسئله‌شناسی پالایش فضای مجازی از این روش بهره‌برد، بدان معناست که از

مشکلات خرد به مشکلات کلی می‌رسیم. در تعریف دیگری از نظریه داده‌بنیاد آمده است: «روش استقرایی و اکتشافی (Exploratory) تولید نظریه یا فرضیه از طریق تکراری (Iterative) و بازگشتی (Recursive) گردآوری سازمان یافته داده‌ها و تحلیل منظم آنها» (ذوالفقاریان و لطیفی، ۱۳۹۰: ۴۳). در این تعریف به غیر از استقراء بر مواردی همچون اکتشاف، تولید نظریه، تکرار و بازگشت و تحلیل منظم نیز اشاره شده است که هر یک بار معنایی خاص خود را دارد.

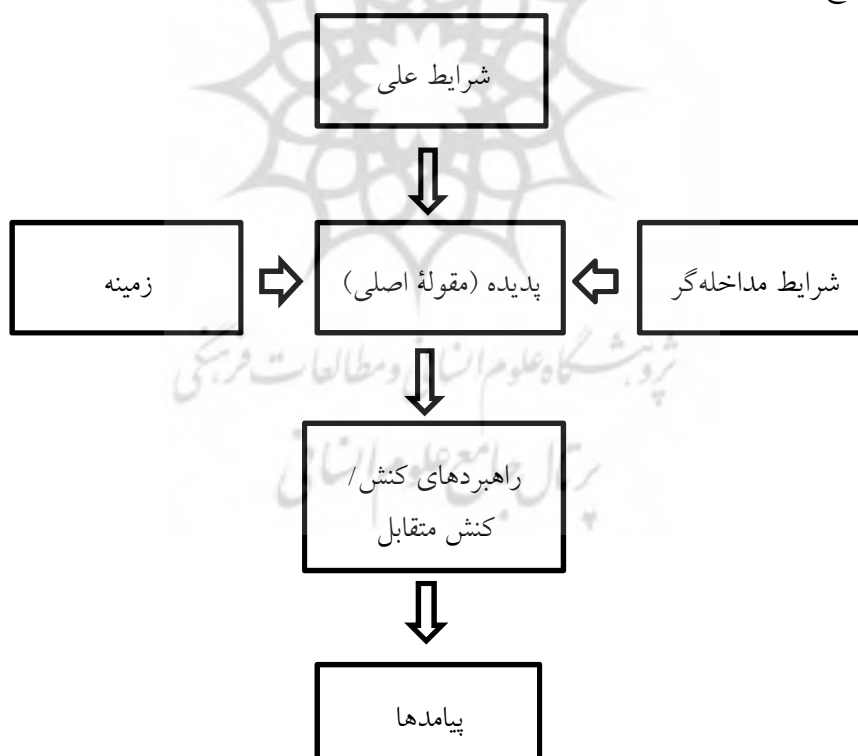
سه طرح، قرائت یا رهیافت از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد وجود دارد: ۱- طرح نظام‌مند (Systematic design) ۲- طرح در حال ظهور (Emerging design) ۳- طرح ساخت‌گرا (Constructivist design). طرح نظام‌مند توسط استراوس و کوربین در سال ۱۹۹۰ مطرح شد. این طرح بر استفاده از کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی و رسیدن به مدل پارادایمی از پدیده تأکید دارند. این مقاله، از میان این سه رهیافت، طرح نظام‌مند استراوس و کوربین را با توجه به کارآمدی آن برای صورت‌بندی مسائل پالایش و همچنین همپوشانی مباحث آن با مباحث سیاست‌گذاری عمومی در حوزه صورت‌بندی مسئله بر می‌گزیند.

اما اصلی‌ترین فعالیتی که در روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد صورت می‌گیرد، «کدگذاری» است. «کدگذاری نشان‌گر عملیاتی است که طی آن داده‌ها خرد شده، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آن‌گاه به روش‌های جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌گردند» (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۵۸). در این روش کدگذاری در سه مرحله انجام می‌گیرد: ۱- «کدگذاری باز (Open coding)»، ۲- «کدگذاری محوری (Axial coding)» و ۳- «کدگذاری انتخابی (Selective coding)». «
با توجه به مبنا بودن طرح نظام‌مند در این مقاله، مدل نهایی ذیل عناصر پارادایمی ذیل صورت‌بندی می‌شود:

- شرایط علی (Causal Conditions): حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامد.
- پدیده (Phenomenon): ایده و فکر محوری، حادثه، اتفاق یا واقعه‌ای که سلسله کنش/کنش متقابل به سوی آن‌ها رهنمون می‌شوند تا آنها را اداره یا با آنها به صورتی برخورد کنند یا اینکه سلسله رفتارها بدان‌ها مرتبط‌اند.

- زمینه (Context): سلسله خصوصیات ویژه‌ای که به پدیده‌ای دلالت می‌کند؛ یعنی محل حوادث و وقایع متعلق به پدیده‌ای در طول طیف بعدی. زمینه همچنین نشان‌گر یک سلسله شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش/کنش متقابل صورت می‌گیرد.
- شرایط میانجی (Intervening conditions) (دخیل): شرایط ساختاری که به پدیده‌ای تعلق دارند و بر راهبردهای کنش/کنش متقابل اثر می‌گذارند. آنها راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آنها را محدود و مقید می‌کنند.
- راهبردهای کنش/کنش متقابل (Strategies (actions/interactions): راهبردهای ایجاد شده برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده‌ای، تحت شرایط مشاهده شده خاص.
- پیامدها (Consequences): نتیجه و حاصل کنش/کنش متقابل (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۹۷).

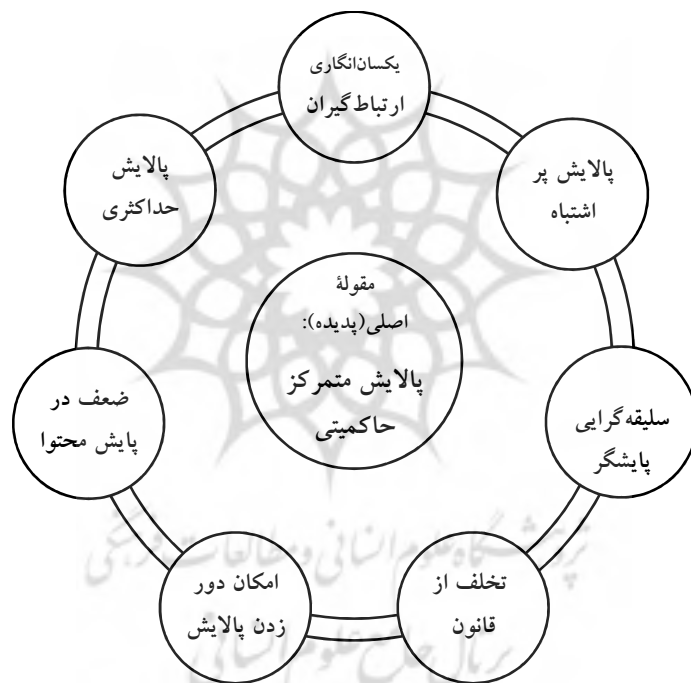
نوع ارتباط این مقولات اصلی به شکل زیر است:



۵. تحلیل داده‌ها^۳

۱.۵ پدیده محوری: پالایش متمرکز حاکمیتی

به عنوان اولین گام در تحلیل، تعیین و تبیین مقوله اصلی یا محوری یا هسته الگوی مسائل تنظیم مقررات پالایش فضای مجازی در دستور کار است. با توجه به کدگذاری باز و محوری صورت گرفته و نظر به حساسیت نظری به وجود آمده در نگارنده، از میان ۸ مقوله‌ای که ذیل مقوله پدیده طبقه‌بندی شده‌اند، مقوله «پالایش متمرکز حاکمیتی» به عنوان مقوله اصلی و هسته مدل پارادایمی انتخاب شده و ۷ مقوله دیگر به عنوان ابعاد و مؤلفه‌های آن در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس می‌توان اولین مدل فرعی را به شکل ذیل ارائه کرد:



شکل ۱-مدل فرعی پدیده

حال سؤال اساسی آنست که منظور از پالایش متمرکز حاکمیتی به عنوان اصلی‌ترین مسئله تنظیم مقررات شیوه پالایش فضای مجازی در ایران چیست؟ در پاسخ می‌توان گفت مطالعات و مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که سایه سنگین حاکمیت بر روی اجرای پالایش سنگینی می‌کند. این بدان معناست که حضور حاکمیت در پالایش حداکثری و حضور مردم

حداقلی است. این حضور حداکثری حاکمیت در پالایش بر اساس شواهد ذیل قابل اثبات است:

- ساختار رگولاتور پالایش یعنی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه کاملاً حاکمیتی و با غلبه‌ی قوه مجریه است. در این ساختار بخش خصوصی و نخبگان جامعه هیچ نماینده و عضویتی ندارند. بر همین اساس می‌توان گفت که مقررات‌گذاری پالایش در مرحله وضع کاملاً دولتی به معنای عام و خاص است.

- در حوزه اجرا نیز علاوه بر آنکه قانون دو بازیگر خصوصی این حوزه یعنی خدمات‌دهندگان دسترسی و خدمات‌دهندگان میزبانی را درگیر پالایش کرده است اما چند نکته گویای تمرکزگرایی حاکمیتی است:

- در عمل، خدمات‌دهندگان دسترسی محدود و منحصر به شرکت ارتباطات زیرساخت که یک شرکت دولتی است، شده‌اند و پالایش صرفاً در یک نقطه و آنهم نقطه تماس بین‌المللی اعمال شده است. بنابراین، رساها نقش اندکی در پالایش دارند.

- مشارکت خدمات‌دهندگان میزبانی نیز کاملاً یک طرفه، عمودی و فرمایشی از سوی کارگروه تعیین مصادیق است و مشارکت فعال و داوطلبانه این بازیگران را در عرصه پالایش شاهد نیستیم.

- اینترنت بازیگران جدی دیگری از جمله خدمات‌دهندگان نام دامنه، محتوا و سرویس نیز دارد که از نظر قانون نادیده انگاشته شده‌اند.

- نقش افراد، گروه‌های اجتماعی از جمله خانواده‌ها و سازمان‌ها نیز در پالایش متمرکز حاکمیتی از اساس مورد غفلت است. این در حالی است که در برخی اسناد حقوقی گذشته بر ایفای نقش خانواده‌ها تأکید شده است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که پالایش متمرکز حاکمیتی، پالایشی است:

- مبتنی بر الگوی مقررات‌گذاری دولتی
- با ساختار رگولاتوری کاملاً حاکمیتی
- تک لایه: اعمال در نقطه تماس بین‌المللی
- عمودی: ارتباط یک طرفه و تحکمی با فعالان بخش خصوصی
- با کمترین مشارکت مردمی (جز در پایش مردمی البته با مشوق‌های اندک)

- بر همین اساس، پالایش متمرکز حاکمیتی در ایران دارای ویژگی‌ها و ابعاد ذیل است:
- یکسان‌انگاری ارتباط‌گیران: پالایش حاکمیتی پالایشی نوعی است و نه شخصی. در این پالایش به نیازها و توانمندی‌های کاربران و ارتباط‌گیران توجهی نشده و بر این اساس تفکیکی میان آن صورت نگرفته است. به بیان دقیق، یک نوع پالایش برای همه اعمال می‌شود. در یک رویکرد ارتباطی می‌توان گفت که نگاه به مخاطب در چنین سیستمی بسان «توده» است. لفظ توده دلالت بر مجموعه‌ای از افراد ناشناسا نسبت به یکدیگر و نسبت به ارتباط‌گر گویند که به شکل پراکنده‌ای در ارتباطی یک‌سویه با ارتباط‌گران معدود هستند. این در حالی است مفهوم توده به کلی توسط فضای مجازی و اینترنت مورد خدشه قرار گرفته و از شخصی‌ترین ارتباطات میان‌فردی یا کلان‌ترین ارتباطات جهانی در این عرصه تحقق یافته است. مهم‌ترین تمایزی که ارتباط‌گیر فضای مجازی با ارتباط‌گیر رسانه‌های دیگر دارد، آنست که دارای شناسه‌ای است به اسم آی پی که از طریق آن قابل ره‌گیری و شناسایی است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه از متخصص‌ترین و نخبه‌ترین انسان‌ها یعنی اساتید دانشگاه تا مبتدی‌ترین و آسیب‌پذیرترین انسان‌ها یعنی کودکان، مجموعه ارتباط‌گیران اینترنتی را تشکیل می‌دهند اعمال یک پالایش یکسان و بدون تفکیک آنها، بدترین نوع پالایش بوده که هم ظالمانه است و هم مضر. ظالمانه است نسبت به نخبگانی که نیاز به فضایی موسع‌تر دارند و مضر است نسبت به کودکان و نوجوانانی که لازم است فضایی مضیق‌تر و کنترل‌پذیرتر داشته باشند. این مسئله از منظر فقهی نیز توجیهی ندارد؛ چرا که مفهوم منکر و ضلال، مفاهیمی مشککند.
 - پالایش پراشتباه: به نوعی می‌توان گفت که عدم تفکیک کاربران اینترنت، پالایش ایران را به پالایشی پراشتباه بدل کرده است. در اینجا دو اصطلاح «خطای مثبت» و «خطای منفی» مطرح می‌شود. خطای مثبت زمانی است که محتوا یا خدمتی که نباید پالایش شود، پالایش می‌شود. به این نوع پالایش، پالایش بیش از حد نیز می‌گویند. اما خطای منفی در جایی است که محتوا یا خدمتی که باید پالایش شود، پالایش نمی‌شود. این نوع پالایش را پالایش کمتر از حد نیز می‌گویند. در مورد کاربران حرفه‌ای، نخبه و اندیشمند نوعاً مواجه با پالایش بیش از حد هستیم و برای کاربران مبتدی، عادی و به ویژه کودک و نوجوان مواجه با پالایش کمتر از حد هستیم.

- سلیقه‌گرایی پایشگر: امکان اعمال سلیقه توسط پایشگر تحت تأثیر عوامل شخصی و محیطی مسئله دیگری است که پالایش حاکمیتی را به امری متشتت و حداکثری بدل کرده است. ریشه اصلی چنین امکانی بر می‌گردد به این که عناوین مجرمانه که در مرحله عملکرد تعریف استخراج شده‌اند، عناوینی عام و کلی هستند و تطبیق آنها بر مصادیق، امری کاملاً ظریف و حساس بوده و کار هر کسی نیست. در این میان، هیچ‌گاه تلاشی نیز صورت نگرفته که برای این عناوین، شاخص‌سازی عملیاتی و عینی صورت گیرد تا بر اساس ملاک‌ها و معیارهای مشخص تطبیق عنوان عام بر مصداق خاص انجام شود. در چنین فضایی است که مبتدی بودن پایشگر یا غرض‌ورزی او می‌تواند کل سیستم را دچار مشکل کند.
- تخلف از قانون: در پالایش متمرکز حاکمیتی به دلیل تمرکز قدرت در یک ساختار بعضاً با اعمال غیرقانونی توسط دست‌اندرکاران مواجه هستیم. در این میان، یکی از مهم‌ترین تخلفات، مجرمانه بودن آئین‌نامه‌های اجرایی است که شفافیت سیستم را دچار اختلال می‌کند. همچنین مبادرت ورزیدن مستقیم دبیرخانه به پالایش یا تنفیض وظایف کارگروه به کمیته‌های اقماری نمونه‌های دیگری از این تخلف قانونی است.
- امکان دور زدن پالایش: شاید یکی از مهم‌ترین مشکلات پالایش متمرکز حاکمیتی آن باشد که علاوه بر تمام تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و زیرساخت‌های گسترده، به راحتی این نظام به شکل رایگان یا با اندک مبلغی توسط پالایش‌گریزهای موجود دور زده می‌شود. جدای تبعات امنیتی و فرهنگی فراگیری استفاده از پالایش‌گریز در کشور، این موضوع عملاً پالایش را به امری کاملاً بی‌فایده و ناکارآمد بدل کرده است.
- ضعف در پایش محتوا: پایش مقدمه پالایش است. هر چقدر پایش دقیق‌تر باشد، پالایش نیز دقیق‌تر خواهد بود. منظور از ضعف در پایش در اینجا، سه موضوع است: ۱- کمبود مشارکت مردمی در پایش ۲- نظام رتبه‌بندی محتوا ۳- امکان تحلیل رفتار مجرمان و برخورد کیفری. اگرچه در نظام پالایش ایران، مشارکت مردمی در پایش تحقق یافته است اما هنوز که هنوزه به جایگاه اصلی خود نرسیده است. در کنار این، یکی از کمبودهای جدی در فضای مجازی، عدم اجرای یک نظام رتبه‌بندی از محتوا بر اساس سن است. اینکه یک کاربر به ویژه یک کودک در مواجهه با یک محتوا بداند که مناسب سن او است یا نه، می‌تواند اثر پیشگیرانه جدی داشته باشد. در کنار

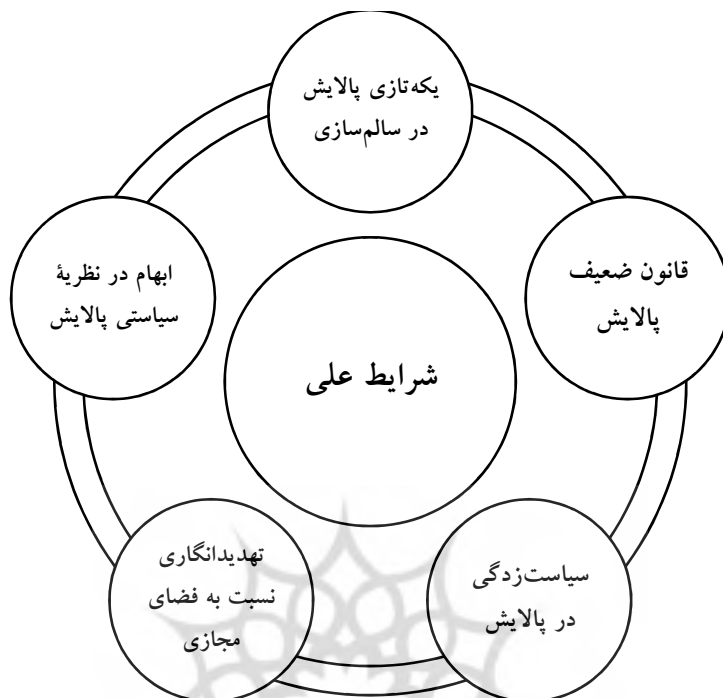
این مسائل آنچه که در تجربه کشوری مانند مالزی نیز مشاهده می‌شود (فصل ۵) می‌توان تمرکز را به جای پالایش محتوای مجرمانه روی تولیدکننده و توزیع‌کننده این گونه محتواها گذاشت و برخورد کیفی را در دستور کار قرار داد. در اینجا است که پایش عملکرد فعالان مهم است.

- پالایش حداکثری: با توجه به حساسیت برانگیز بودن پالایش توسط حاکمیت و وجود انتظارات بالا از آن، در عمل آنچه که اتفاق می‌افتد اتخاذ رویکرد محتاطانه است و در مواجهه با محتوای مشکوک، پالایش در دستور کار قرار می‌گیرد و همین امر پالایش ایران را به یک پالایش حداکثری بدل کرده که توسط کاربران بسیار احساس می‌شود.

۲.۵ شرایط علی

تا بدینجا پیرامون مقوله اصلی و ابعاد و ویژگی‌های آن سخن به میان آمد. از اینجا به بعد وارد بحث پیرامون عناصر دیگر مدل پارادایمی می‌شویم. گام دوم، ناظر به «شرایط علی» پدیده یا مقوله اصلی است. سؤال مهم آنست که چه مقوله‌هایی سبب به وجود آمدن «پالایش متمرکز حاکمیتی» با تمام ویژگی‌هایش شده است؟ در پاسخ به این سؤال، مدل شرایط علی ارائه می‌شود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۲- مدل فرعی شرایط علی

در تبیین رابطه این ۵ مقوله با «پالایش متمرکز حاکمیتی» می‌توان گفت که:

- منظور از یکه تازی پالایش در سالم سازی آنست که تجربه ۲۵ ساله ایران در عرصه فضای مجازی نشان می‌دهد که مهم‌ترین، گسترده‌ترین و مداوم‌ترین اقدامی که تا الان برای سالم سازی فضای مجازی انجام شده، پالایش آن بوده است. ریشه چنین جایگاهی نیز هم به رویکردهای نظری دست‌اندرکاران مبنی بر شرط لازم و کافی بودن پالایش در سالم سازی بر می‌گردد و هم به رویکردهای اجرایی از جهت سهل‌الوصول بودن پالایش در مقایسه با دیگر اقدامات. این در حالی است که پالایش تنها و تنها یک اقدام و سیاست در کنار ده‌ها اقدام و سیاست دیگر است که به قوت آن پیگیری نشده‌اند. همین جایگاه یکه تازانه پالایش در ساحت کلی سالم سازی فضای مجازی سبب شده که در عمل و روش تحقق نیز پالایش شکل و شمایل کاملاً حاکمیتی به خود بگیرد و حضور حداکثری حاکمیت به عنوان مدافع جدی آن در عمل نیز تحقق یابد.

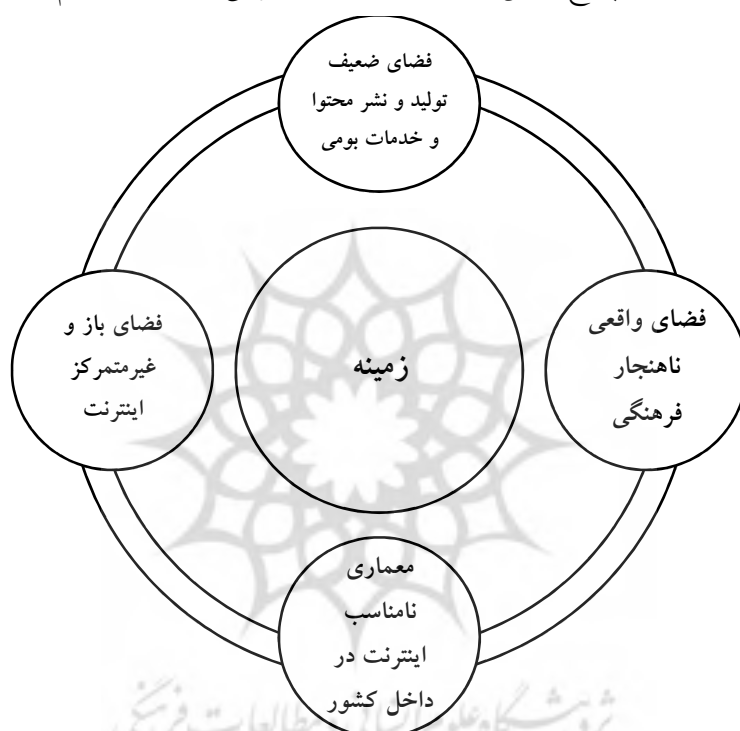
- سیاست‌زدگی در پالایش نیز به عنوان یکی دیگر از عوامل علی پالایش متمرکز حاکمیتی مطرح شده است. منظور از این مقوله آنست که پالایش بر اساس منویات گروه‌های سیاسی مبدل به یک منازعه حاکمیتی شده است. شاید نمونه تام چنین ادعایی را بتوان در مجادله بین دولت یازدهم با قوه قضائیه بر سر پالایش شبکه‌های اجتماعی مشاهده کرد. همان‌طور که در بعدبخشی نیز گفته شده، ریشه چنین منازعه‌ای را باید در منفعت‌طلبی سیاسی مخالفان پالایش و محافظه‌کاری امنیتی موافقان آن دانست. از یک طرف، عده‌ای اینترنت را بهترین ابزار برای هدایت افکار عمومی به ویژه در بزنگاه‌های سیاسی مانند انتخابات می‌دانند و عده‌ای دیگر، بر اساس نگاه کاملاً منفی‌ای که به فضای مجازی و نقش آن در ضربه زدن به استقلال کشور دارند، قائل به محدودسازی حداقلی آن می‌باشند. نتیجه چنین مجادله‌ای دو اتفاق شده است: گروه اول با نفوذی که در بدنه میانی اجرا دارد، امکان دور زدن پالایش را به وجود آورده است و گروه دوم نیز در سطحی کلان‌تر، پالایش متمرکز حاکمیتی را با حداکثر دوز آن پیگیری می‌کند. نتیجه چنین تنازع وجود یک پالایش در ظاهر پرطمطراق و در باطن بی‌خاصیت شده است.
- تهدیدانگاری نسبت به فضای مجازی را شاید بتوان یکی دیگر از عوامل پالایش متمرکز حاکمیتی دانست. تجربه مواجهه سطوح حاکمیتی با تکنولوژی نشان می‌دهد که همیشه ابعاد تهدیدزا و منفی تکنولوژی پررنگ‌تر از ابعاد فرصت‌گرا و مثبت آن بوده است. این امر به ویژه در بدو ورود تکنولوژی کاملاً مشهود بوده و سبب شده که نفی مطلق اولیه را به دنبال داشته باشد و بر همین اساس با در پیش گرفتن رویکردهای انفعالی، عملاً تکنولوژی و فراگیری آن در میان مردم، تبدیل به یک امر تحمیل شده به حاکمیت می‌شده است. امری تحمیلی که ابعاد فرصت آن در محاق مانده است. این در حالی است که اگر این نوع واکنش برعکس شود و برخورد فعال با تکنولوژی در دستور کار قرار گیرد به احتمال زیاد، حالات غافل‌گیری حاکمیتی کمتر اتفاق می‌افتد. بسیار طبیعی است که رویکرد تهدیدانگاری نسبت به فضای مجازی سبب بشود که پالایش به عنوان اصلی‌ترین راه حل در دستور کار قرار گیرد و جهت اطمینان از اعمال آن خود حاکمیت نقش حداکثری را در آن ایفا نماید. شاید یکی دیگر از ابعاد این تهدیدانگاری را بتوان به نوع نگاه منفی نسبت به عملکرد کاربران نیز دانست که منجر به پالایش حداکثری می‌شود.

- ابهام در نظریه‌سیاستی پالایش را می‌توان یکی دیگر از علل پالایش متمرکز حاکمیتی دانست. منظور از نظریه‌سیاستی همان چارچوب هستی‌شناختی حاکمیت از پالایش است که در جهت روشن شدن مبانی نظری شرعی و قانونی پالایش و صورت‌بندی مسئله آن باید به سؤالاتی از این دست پاسخ دهد که: پالایش به چه معناست؟ پالایش به دنبال چه هدفی است؟ حدود و ثغور پالایش چیست؟ پالایش در منظومه‌سالم‌سازی فضای مجازی چه جایگاهی دارد؟ نقش مردم در پالایش چیست؟ به دلیل آنکه به شکل مفصل و صریح، پاسخی به این سؤالات داده نشده است، عملاً نظریه‌سیاستی پالایش در حال‌های ابهام قرار دارد و شاید یکی از دلایل سیاست‌زدگی ناشی از همین ابهام باشد. بر همین اساس است که به دلیل مشخص نبودن منظومه‌فکری پالایش به سراغ ساده‌ترین و بسیط‌ترین حالت پالایش که همان پالایش تک‌ساحتی حاکمیتی است رفته‌ایم و از ابعاد دیگر غفلت ورزیده‌ایم. به نظر می‌رسد شکل‌گیری نظریه‌سیاستی پالایش به تحقق نظام پالایشی چند لایه و پیچیده کمک می‌کند.

- قانون ضعیف پالایش را نیز بایستی در تحقق پالایش متمرکز حاکمیتی مؤثر دانست. شاید مهم‌ترین تأثیری که این مقوله‌علی بر پدیده‌مورد نظر گذاشته باشد ناظر به پنج ویژگی سلیقه‌گرایی پیشگر، تخلف از قانون، امکان دور زدن، ضعف در پایش محتوا و یکسان‌انگاری ارتباط‌گیران باشد. همانطور که در بعدبخشی گفته شده است اجمال قانون، نقض قوانین بالادستی و محدودیت‌های قانون، سه مؤلفه‌ضعف آن محسوب می‌شود. اجمال قانون سبب شده است که به واسطه‌عدم تعیین تشریفات شاخص‌سازی محتوای مجرمانه، سلیقه‌گرایی پیشگر افزایش یابد. همچنین غفلت از نظام مسئولیت و پاسخگویی دست‌اندرکاران پالایش عملاً آنها را به ارتکاب تخلفات سوق داده است. همچنین سکوت قانون در قبال جرم‌انگاری پالایش‌گریزی سبب به وجود آمدن بازار گسترده‌فروش آن شده و در نهایت، نادیده گرفتن پایش محتوا در قانون نیز محسوس است. همچنین، یکی از مهم‌ترین موانع پالایش رده‌بندی شده به عنوان راه حل یکسان‌انگاری کاربران، محدودیت حقوقی نسبی‌گرایی در جرم‌انگاری است. اینکه محتوای مجرمانه بسته به کاربر تعریف می‌شود مستلزم ایجاد یک نگاه مترقی در جرم‌انگاری است.

۳.۵ زمینه

اما گام سوم ناظر به «زمینه» و بستری است که پالایش متمرکز حاکمیتی در آن قرار گرفته است. سؤال مهم آنست که نوع اثری که زمینه با عناصرش بر پدیده و ویژگی‌هایش می‌گذارد، چیست؟ آیا این نوع پالایش با بسترهای آن هماهنگ است یا در یک چالش با آنها قرار دارد؟ جهت پاسخ به این سؤالات، ابتدا با مدل فرعی زمینه آشنا شویم:



شکل ۳-مدل فرعی زمینه

در نسبت‌شناسی عناصر زمینه با پدیده پالایش متمرکز حاکمیتی می‌توان گفت:

- فضای مجازی و اینترنت، فضایی باز و غیرمتمرکز است. همانطور که در فصل دوم درباره معماری اینترنت نیز گفته شد، این فضا طوری طراحی شده است که بین نقاط مختلف آن مسیرهای متنوع و گوناگونی وجود دارد به طوری که شبکه اینترنت را از حالت تک قطبی به چندقطبی بدل کرده است. این در حالی است که پالایش متمرکز حاکمیتی به عنوان نوعی مداخله در این شبکه، با چنین ماهیتی کاملاً ناهمخوان و

ناسازگار است. شاید بخشی از پالایش پراشتباه، امکان دور زدن پالایش و ضعف در پایش محتوا ناشی از این ناسازگاری باشد.

- زمینه دیگری که لازم است به آن توجه شود، فضای ضعیف تولید و نشر محتوا و خدمات بومی است. وجود ضعف در ارائه محتوا و خدمات مفید بومی سبب شده است که کاربران اینترنت جهت رفع نیازهای خویش به محتوا و خدمات خارجی مراجعه کنند. همین مراجعه فراگیر به آن سوی مرزها سرمنشأ مسائل و مشکلات فراوانی در پالایش شده است. اینکه پالایش پراشتباه شده یا اینکه امکان دور زدن پالایش افزایش یافته است را باید معلول ضعف در فضای مجازی بومی دانست. به بیان دیگر، اگر در حوزه محتوا و خدمات قوی عمل کنیم، به دلیل کاهش مراجعه کاربران به محتوا و خدمات خارجی عملاً بار پالایش بسیار سبک می‌شود. این سبک شدن هم از حیث سبک شدن ترافیک است و هم از حیث کاهش موارد عبور از خط قرمزها.

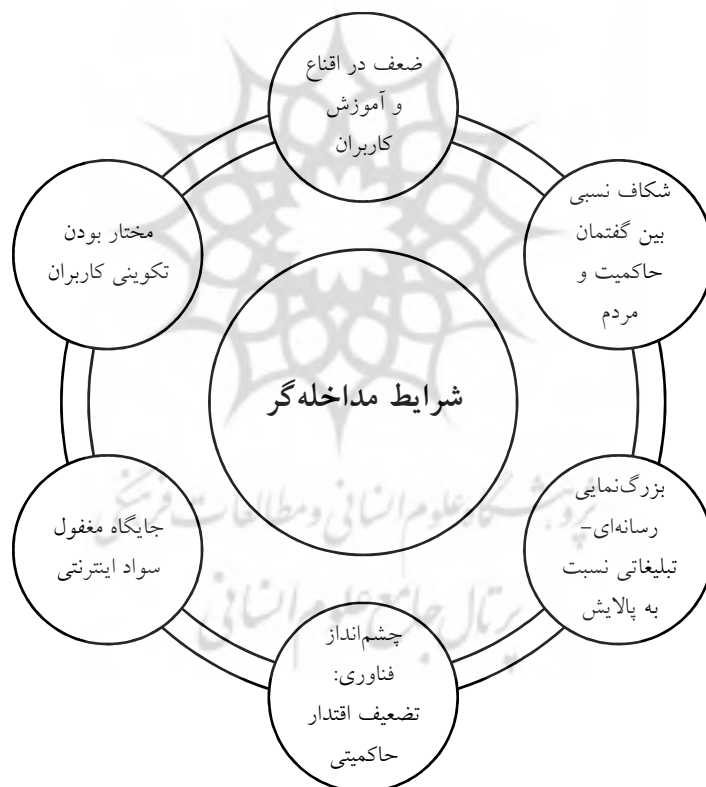
- بستر مهم دیگر در ارتباط با پدیده محوری، معماری نامناسب اینترنت در کشور است. این مسئله از سه جهت، اهمیت دارد: اول آنکه شبکه ملی اطلاعات با سرورهای جامع نام دامنه و مسیریابی بهینه هنوز که هنوز با مشکل اساسی روبرو است و همین نابسامانی شبکه ملی اطلاعات سبب شده است که بر عرصه تولید مجازی ملی نیز اثر نامطلوب بگذارد. دوم آنکه نظام درهم ریخته شناسه آی پی در کشور و استفاده فراوان از آی پی‌های مشترک و پویا سبب شده که نظام احراز هویت کاربران دچار مشکل شود و همین مسئله، مشکلات دیگری را به دنبال داشته باشد: ۱- در پایش رفتار مجرمان جهت برخورد کیفری با محدودیت جدی مواجه شویم. ۲- مجبوریم همچنان رویکرد یکسان‌انگاری کاربران را در پایش بگیریم و امکان رده‌بندی کاربران به راحتی فراهم نباشد.

- فضای واقعی نابهنجار فرهنگی، بستر بسیار مهمی از حیث رویکرد این مقاله است و ناظر به آنست که منشأ بسیار از نابهنجاری‌های فرهنگی مجازی، در فضای فیزیکی و واقعی است. خود این فضا را می‌توان در دو رویکرد در زمانی و هم‌زمانی مورد بررسی قرار داد: در رویکرد در زمانی، اینطور ادعا شد که به دلیل وجود فضای خفقان و استبداد در طول چند صد سال اخیر عملاً فرهنگ ایرانیان دچار مشکل شده و نمود مهم این مشکل در خلأ وجود کانون هویتی در مصرف رسانه است. اساساً

کاربر ایرانی در مصرف رسانه از الگوی مناسبی تبعیت نکرده و بسیار اقتضایی و سرگردان عمل می‌کند. همچنین در رویکرد هم‌زمانی می‌توان گفت که امروزه با مشکلات فرهنگی‌ای در عالم واقع مواجه هستیم که ناهنجاری فرهنگی مجازی معلول آن به حساب می‌آید. اگر امروز مصرف‌پورن کاربران قابل توجه است، بخش مهمی از آن را باید در چالش‌های موجود در مقوله ازدواج جستجو کرد.

۴.۵ شرایط مداخله‌گر

گام چهارم مربوط می‌شود به شرایط مداخله‌گر که نقش تسهیلی یا تضعیفی نسبت به پدیده پالایش متمرکز حاکمیتی دارند. مدل فرعی شرایط مداخله‌گر به شکل ذیل است:



شکل ۴- مدل فرعی شرایط مداخله‌گر

بررسی ارتباط و نسبت میان مداخله‌گرها با پالایش متمرکز حاکمیتی نشان می‌دهد که:

- ضعف در اقتناع و آموزش کاربران، چندین اثر بر پدیده گذاشته است: ۱- سبب می‌شود کاربران به دلیل عدم اقتناع به هر طریق ممکن آن را دور بزنند و در نتیجه میزان مصرف پالایش‌گریزها در کشور به شدت افزایش یابد. ۲- موجب می‌شود مقوله‌پایش مردمی نسبت به محتوای مجرمانه به شدت نحیف شود و از این ظرفیت عظیم عملاً محروم شویم. ۳- نتیجه آن خواهد بود که ارتباط‌گیران این حوزه به دلیل عدم یادگیری و توجیه نسبت به مصادیق محتوای مجرمانه، معرضیتشان در دایره فیلترینگ بیشتر شود. ۴- در نهایت آنکه به عنوان یک پیامد اجتماعی، فرهنگ نارضایتی را نهادینه خواهد کرد.
- مختار بودن تکوینی کاربران ناظر به آن است که به هر حال انسان تکویناً مختار آفریده شده و انسان بودنش به مختار بودنش است. اساساً لازمه کمال انسان اختیار او است. جامعه‌ای کمال یافته است که انسان‌ها در آن از اختیار خود در جهت خیر استفاده می‌کنند. این در حالی است که در پالایش متمرکز حاکمیتی عملاً اختیار فاعل انسانی در فضای مجازی به حداقل می‌رسد. حال سؤال آنست که با توجه به مبانی انسان‌شناختی اسلامی، حد پالایش تا کجاست؟ آیا باید پالایش حداکثری باشد یا حداقلی؟ آیا این نکته، می‌تواند ما را به رویکردهای داوطلبانه در پالایش رهنمون کند؟ این بحث البته تا حدودی با ابهام در نظریه‌سیاستی پالایش نسبت دارد و یکی از ملزومات آن خواهد بود.
- یکی دیگر از عناصری که بر تضعیف پالایش حاکمیتی تأثیر گذاشته، غفلت از سواد اینترنتی است. سواد اینترنتی به عنوان یک عامل فردی و گروهی کنترل‌کننده افراد می‌تواند نقش بسیاری در سبک کردن بار پالایش متمرکز حاکمیتی داشته باشد که عدم توجه به آن تا به امروز، اثرات سوئی در ناکارآمدی پالایش موجود داشته است.
- یک نکته بسیار مهم در میزان توجه و تمرکز بر پالایش حاکمیتی آنست که تا چه میزان در آینده حفظ و بقاء اقتدار حاکمیتی در سطح زیرساخت فناوری اطلاعات را محتمل می‌دانیم؟ ارزیابی‌ها و روند تکنولوژی نشان می‌دهد که تضعیف این اقتدار بسیار محتمل است. کمااینکه امروزه نیز برخی از کاربران از اینترنت ماهواره‌ای جهت ارتباط جهانی استفاده می‌کنند. اینکه تا به امروز این نوع مصرف همه‌گیر نشده بر می‌گردد به پرهزینه بودن آن که با توجه به سرمایه‌گذاری‌های در حال انجام غرب و به ویژه آمریکا در این عرصه، این مسئله نیز حل خواهد شد. توجه به این نکته

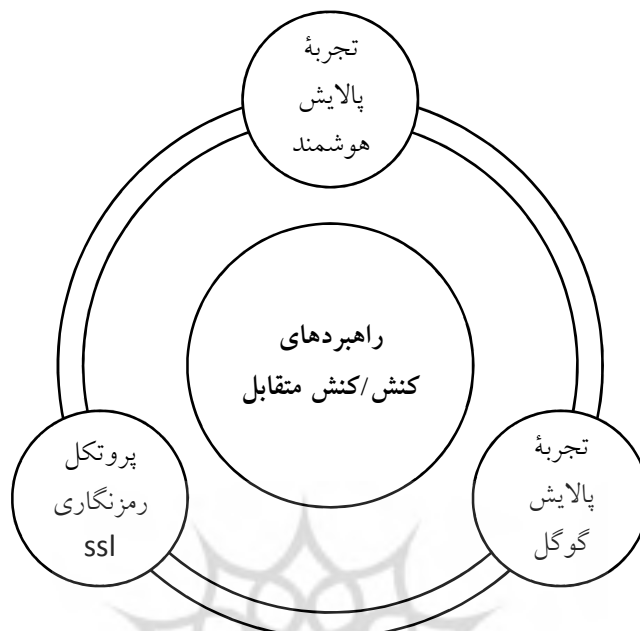
حائز اهمیت است که اگر روزی، زیرساخت دسترسی به اینترنت از دست حاکمیت خارج شود، آنروز روزی خواهد بود که بخش اعظم نظام پالایش موجود بیهوده خواهد شد.

- بزرگنمایی رسانه‌ای و تبلیغاتی نیز از عناصر مؤثر در پدیده محوری است. از یک طرف، دست‌اندرکاران داخلی پالایش، دائماً به این موضوع پرداخته و چه منازعه سیاسی در این حوزه و چه اقدامات صورت گرفته را رسانه‌ای می‌کنند؛ از طرف دیگر نیز، رسانه‌های بیگانه دائماً بحث پالایش فضای مجازی در ایران را مورد برجسته‌سازی قرار داده و بازنمایی منفی از آن ارائه می‌دهند.

- آخرین مورد ناظر به شکاف بین گفتمان حاکمیت و مردم در مقوله پالایش است که بیشتر در شکاف بین استانداردهای محتوای نامناسب نزد مردم و محتوای مجرمانه نزد حاکمیت نمود می‌یابد. طبیعی است که هر چه این شکاف بیشتر باشد، تصور از پالایش بسان یک امر حداکثری و نارضایتی از آن و بالتبع روی‌آوری به پالایش‌گریزها بیشتر خواهد شد. توجه به این نکته لازم است که فضای واقعی فرهنگی در ایجاد این شکاف مؤثر است.

۵.۵ راهبردهای کنش/کنش متقابل

گام پنجم ناظر به راهبردهای کنش/کنش متقابل است که منظور از آن، مجموعه اتفاقات و اقدامات مهمی بوده است که در پالایش فضای مجازی روی داده و واکنش‌هایی را به دنبال داشته است. اگرچه این اتفاقات فراوان است، اما در اینجا تنها به سه مورد آن اشاره می‌شود:



شکل ۵-مدل فرعی راهنمای کنش/کنش متقابل

شاید یکی از مهم‌ترین تجربیات به تجربه پالایش گوگل در ایران مربوط باشد. در برهه‌ای با توجه به انتشار فیلم اهانت‌آمیز به رسول اعظم (ص) در یوتیوب، عملاً نوعی فضا و جو تحریم یوتیوب در ایران و جهان اسلام رخ می‌دهد؛ به طوری که آمارها نشان از افت شدید بازدید از یوتیوب دارد. در این میان تصمیم کارگروه بر آن می‌شود که با توجه به زمینه اجتماعی به وجود آمده، یوتیوب را پالایش نماید. اما در عمل سهواً یا عمداً اتفاق دیگری می‌افتد و جای یوتیوب، کل خدمات گوگل و از جمله جی میل از دسترس مردم خارج می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که با این اقدام اشتباه حاکمیتی عملاً موج مردمی تحریم یوتیوب متوقف شده و به وضعیت سابق بر می‌گردد. تجربه به‌دست آمده از این واقعه آنست که این امکان وجود دارد که یک تصمیم حاکمیتی بتواند یک حرکت مثبت مردمی را دچار اختلال کند.

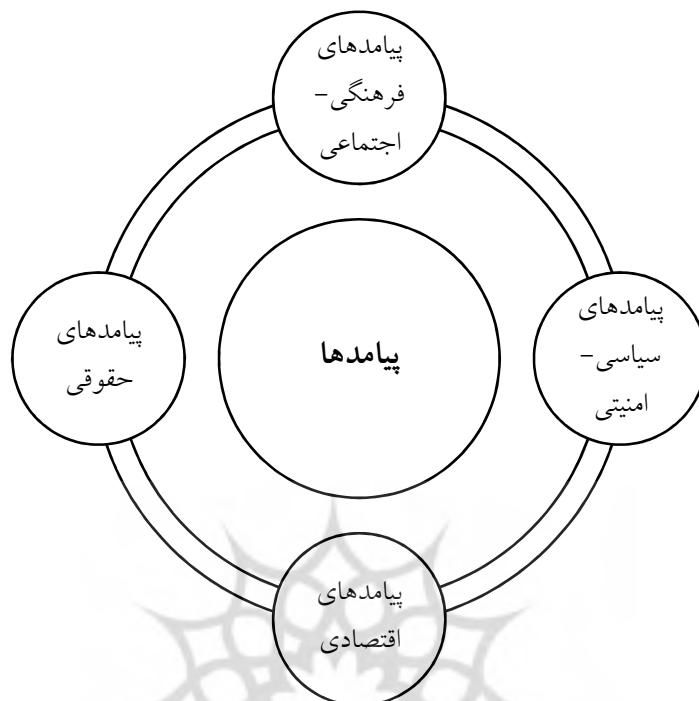
تجربه دومی که البته مرتبط با تجربه اول است، سرمایه‌گذاری خدمات‌دهندگان بزرگ دنیا از جمله گوگل در فراگیری استفاده از پروتکل اس اس ال در ارائه خدمات است. شاید مداخله‌های حداکثری حاکمیت‌ها در پایش و پالایش محتوا را بتوان در سرعت بخشیدن به

این تصمیم بخش‌های خصوصی مؤثر دانست. اتفاقی که عملاً افتاده است رمزنگاری کلیه پیام‌های رد و بدل شده بین کاربر و خدمات‌دهنده است و عملاً این پروتکل تبدیل به یک معضل اساسی برای سامانه‌های پالایش در ایران شده است.

تجربه سوم که به تجربه دوم گره خورده است، تجربه پالایش هوشمند در کشور است. با روی کار آمدن دولت یازدهم، یکی از اصلی‌ترین پروژه‌هایی که کلید خورد بحث پالایش هوشمند بود. پالایشی که ادعا می‌کرد به شکل ماشینی و آنلاین می‌تواند نه تنها متون بلکه تصاویر را نیز پالایش نماید. این پروژه متکی بر تکنیک‌های پیچیده داده‌کاوی و تحلیل تصویر مبتنی بر هوش مصنوعی بود. در عمل نیز پیاده‌سازی این پروژه از شبکه اجتماعی اینستاگرام آغاز شد. در عمل اتفاقی که افتاد مجهز کردن سرورهای اینستاگرام به پروتکل اس اس ال بود که عملاً بخش پایشی پالایش هوشمند را دچار اختلال کرد. در ادامه نیز، شبکه‌های اجتماعی دیگر نیز همین رویه را در پیش گرفتند؛ به طوری که می‌توان گفت امروزه پالایش هوشمند با شکست نسبی مواجه شده است.

۶.۵ پیامدها

گام ششم و آخرین عرصه مدل پارادایمی شامل پیامدهای حاصل از پدیده مورد مطالعه است. سؤال مهم و اساسی در اینجا آنست که پالایش متمرکز حاکمیتی با تمام ابعاد ویژگی‌ها، شرایط علی، زمینه و عوامل مداخله‌گر چه نتایج، تبعات و پیامدهایی به همراه داشته است. به نظر می‌رسد که پیامدها را می‌توان ناظر به چهار حوزه اساسی دانست:



شکل ۶-مدل فرعی پیامدها

بر اساس این مدل:

- پالایش متمرکز حاکمیتی دارای پیامدهای منفی فرهنگی-اجتماعی است. اولین بُعد از این دسته پیامدها، «ایجاد فرهنگ ولع و حرص» نسبت به محتوای خارجی است. از باب قاعده الإنسان حریص علی مامنع، زمانی که به شکل حداکثری و با وجود شکاف بین سلیقه حاکمیت و بخشی از مردم، پالایش صورت می‌گیرد، حس کنجکاوی نسبت به محتوای پالایش شده تحریک می‌شود که در نتیجه ضمن پیگیری راه‌های دسترسی به آن از طریق پالایش‌گریزها، عملاً تأثیرپذیری کاربر از محتوا نیز افزایش می‌یابد. دومین بُعد «نهادینه شدن فرهنگ استفاده از پالایش‌گریزها» است. متأسفانه امروزه این فرهنگ در بین بخش قابل توجهی از اقشار جامعه فراگیر شده و به یک کنش عادی بدل شده است. آمارها، میزان مصرف پالایش‌گریزها را تا ۷۰ درصد و در جوانان بالای ۸۰ درصد برآورد می‌کنند و این اصلاً آمار خوبی نیست. فرهنگ مصرف پالایش‌گریز تنها بحث مصرف نیست بلکه در درون‌مایه

خویش، فرهنگ قانون‌شکنی را در جامعه نهادینه می‌کند. سومین بعد سردرگمی فعالان فضای مجازی در حوزه محتوایی است. به دلیل فیلترینگ حداکثری با داشتن تفسیری موسع از قانون در مصداقیابی و همچنین محرمانه بودن برخی آئین‌نامه‌ها، عملاً دست‌اندرکاران میزبانی، محتوا، خدمات و دسترسی در حالت متزلزل خوف و رجا هستند و این سردرگمی به هیچ وجه برای ایجاد شبکه ملی اطلاعات در کشور مناسب نیست. چهارمین بُعد ناظر به نارضایتی کاربران است. پالایش امروز به دلیل یکسان‌نگاری کاربران و پراشتباه بودن، فرهنگ نارضایتی و ایجاد نگاه منفی نسبت به پالایش را در بخش قابل توجهی از مردم و به ویژه نخبگان به وجود آورده است. ایجاد محدودیت برای رسانه‌ها، نخبگان و فعالان فضای مجازی را شاید بتوان پنجمین پیامد اجتماعی و فرهنگی دانست. ترس از پالایش سبب شده است که رسانه‌های بومی با در پیش گرفتن خودسانسوری به ویژه در موضوعات حساس، مرجعیت خبری را از دست داده و میدان را برای جولان رسانه‌های بیگانه فراخ نمایند. از طرف دیگر، پالایش برخی شبکه‌های اجتماعی خارجی سبب شده است که عملاً نخبگان و فعالان انقلابی و بومی کشور نتوانند از این فضا برای تأثیرگذاری استفاده نمایند. همین مسئله سبب شده است که ششمین بُعد یعنی ایجاد فضای آلوده کاذب در شبکه‌های اجتماعی پالایش شده شکل بگیرد که عملاً بازنمایی مناسبی از واقعیت جامعه ایرانی صورت نگیرد. در نهایت هفتمین بُعد را داریم که غفلت از پیامدهای فرهنگی رصد محتوای مجرمانه توسط نیروی انسانی است. اینکه رصد محتوای مناسب می‌تواند چه تأثیرات بینشی و گرایشی روی پایشگران انسانی بگذارد؟ و توجه به آن که نیروی انسانی‌ای با چه شرایطی (در بحث مطالعات دینی تفصیلاً بحث شد) می‌تواند رصدگر مناسبی برای این عرصه باشد؟ موضوعی کاملاً مغفول است.

- پیامدهای سیاسی و امنیتی نیز یکی دیگر از عرصه‌های مهم پیامدشناسی است. این اهمیت از آن جهت است که یکی از علل اصلی پالایش متمرکز حاکمیتی، رویکرد محافظه‌کارانه و امنیتی بخشی از حاکمیت نسبت به آن است. حال باید دید در عمل پالایش چه ثمره امنیتی‌ای داشته است؟ اولین بُعد پیامد سیاسی، ناظر به ایجاد گفتمان اعتراض‌آمیز بخشی از کاربران در برابر پالایش حاکمیتی است. پالایش موجود با تمام ویژگی‌هایش، موجب نارضایتی بخش قابل توجهی از کاربران شده و عده‌ای در

این بین به عناصر فعالی در جهت مقابله با آن بدل شده‌اند. امروزه در فضای مجازی، بخشی از عرصه توزیع پالایش‌گریها را نه انگیزه‌های اقتصادی، بلکه انگیزه‌های سیاسی شکل داده است. شکل‌گیری سایت‌های قوی و پویایی مانند نوفیلتر از این نمونه هستند. این دسته از فعالان برآنند که با پالایش به عنوان ابزار سانسور و محدودگر آزادی بیان مبارزه کنند. دومین بُعد ارتباط دارد با ثمره ضدامنیتی‌ای که پالایش علاوه بر غرض امنیتی آن به همراه داشته است. در اینجا با یک فضای متناقض‌گونه مواجهیم. از یک جهت پالایش را به ویژه در مورد محتوای مجرمانه سیاسی با غرض امنیتی اجرا کرده‌ایم و از طرف دیگر، پالایش متمرکز حاکمیتی با امکان دور خوردن توسط پالایش‌گریها و فراگیری آنها در جامعه امروز ایرانی، کاملاً به یک پروژه ضدامنیتی تبدیل شده است. توضیح بیشتر آنکه با توجه به مکانیسم‌های مخفی‌سازی و رمزنگاری در پالایش‌گریها عملاً امکان پایش محتوا از سوی سامانه‌های مختلف و از جمله سامانه پالایش سلب شده است. به طوری که به باور یکی از دست‌اندرکاران اصلی پالایش، تنها ۲۰ درصد ترافیک داده توسط حاکمیت امکان رصد دارد. این به شدت اقتدار حاکمیت را در عرصه مجازی دچار اختلال کرده است. در کنار این موارد می‌توان بعد سوم را به عنوان تبعات جهانی پالایش برای کشور برشمرد که همه ساله توسط نهادهای بین‌المللی ایران به عنوان دشمن اینترنت و ناقض حقوق بشر معرفی می‌شود که می‌تواند بر جایگاه اقتدار بین‌المللی اثر بگذارد. نهایت آنکه در چهارمین بعد محدود شدن جریان‌سازی محتوایی توسط حاکمیت را به عنوان یک پیامد مهم سیاسی می‌توان در نظر گرفت؛ با این توضیح که امروزه شبکه‌های اجتماعی پر بازدید به امکانی جهت دیپلماسی عمومی حاکمیت‌ها تبدیل شده است. پالایش کامل یک شبکه اجتماعی مانند فیسبوک، توئیتر و ... عملاً حاکمیت را در استفاده از ابزار دچار محدودیت می‌کند. امروزه با پدیده جالبی مواجه هستیم و آن نمود اختلاف سیاسی پالایش در عرصه استفاده از شبکه‌های اجتماعی پالایش شده است. بخشی از حاکمیت و به طور مشخص اعضای سرشناس دولت یازدهم به طور رسمی و علنی از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند که این وضعیت تبعات منفی جدی دارد.

- پیامدهای حقوقی، سنخ دیگری از پیامدها بوده که شامل دو بخش است. از یک جهت بحث قبح‌زدایی از قانون‌شکنی را در جامعه داریم. امروزه، عرصه فراخ تولید،

توزیع و مصرف پالایش‌گریها عملاً ذهن‌کجی به قانون و به تمسخر گرفتن نظام قضایی پالایش است. ضعف‌های قانونی و همچنین فراگیری این عرصه سبب شده است که عملاً برخورد جدی با آن صورت نگیرد؛ از طرف دیگر، یک فضای دوگانه مواجهه قضایی نسبت به وبگاه‌ها به وجود آمده است که از نظر حقوق توجیه‌بردار نیست. توضیح بیشتر آنکه اگر محتوایی از نظر کارگروه مجرمانه است، بنابراین باید برخورد کیفی پیش‌بینی شده در قانون نیز با آن صورت گیرد. این در حالی است که بسیاری از وبگاه‌های پالایش‌شده داخلی اساساً مورد برخورد قضایی قرار نمی‌گیرند و این فضای دوگانه به هیچ وجه صحیح نیست.

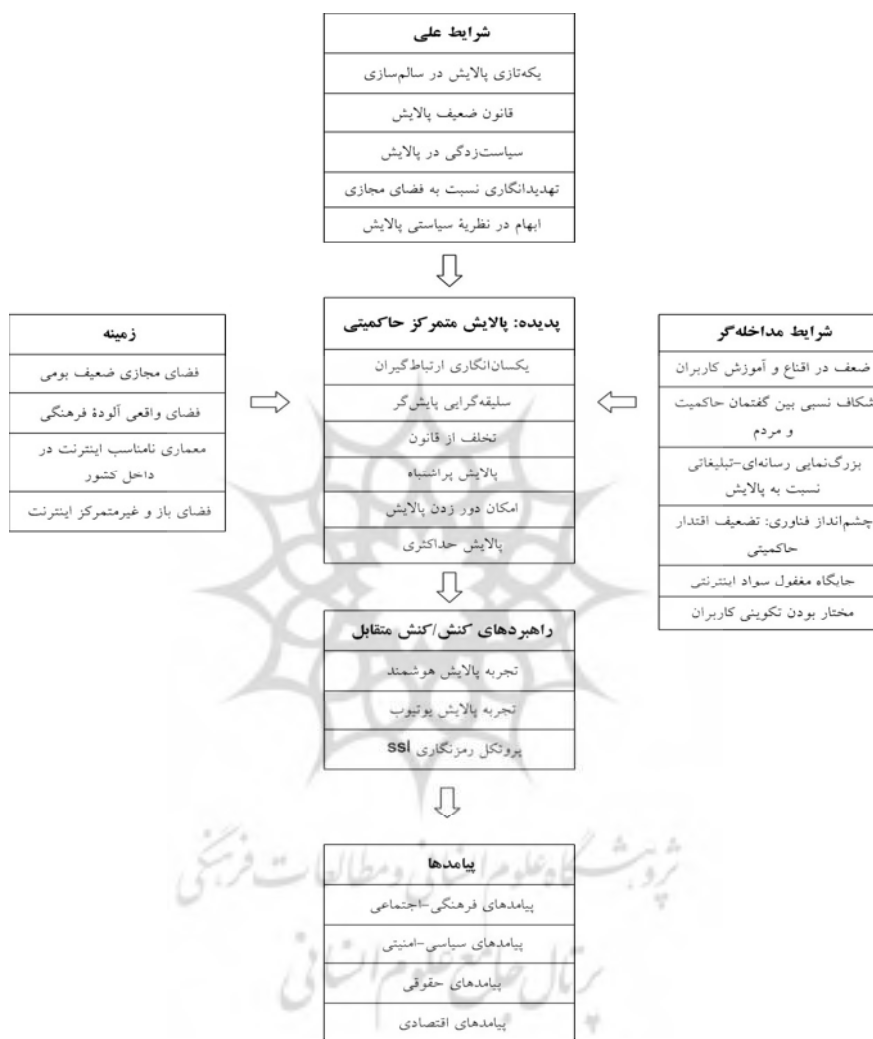
- پیامدهای اقتصادی به عنوان آخرین حوزه پيامدشناسی و آخرین بخش الگوی مسائل تنظیم مقررات شیوه پالایش فضای مجازی، ناظر به دو بعد اساسی است: اولین بعد عبارت است از «ایجاد بازار تجاری کلان فروش پالایش‌گریز» در کشور و دومین بعد نیز «بالارفتن ریسک سرمایه‌گذاری در فضای مجازی بومی» است. پالایش متمرکز حاکمیتی با امکان دور خوردن و همچنین با ایجاد نارضایتی در کاربران سبب شده است که با بازار عظیمی از خرید و فروش پالایش‌گریزها مواجه باشیم. همچنین پالایش حداکثری و سلیقه‌گرا سبب شده است ریسک سرمایه‌گذاری خدمات دهندگان محتوا و سرویس به شدت بالا رود و بخشی از فعالان به همین دلیل از سرمایه‌گذاری در این عرصه منصرف شوند. اینکه افراد احتمال بدهند هر آن، امکان پالایش وبگاه آنها وجود دارد، تمایل آنها را به سرمایه‌گذاری در این عرصه به شدت کاهش می‌دهد.

۶. جمع‌بندی

این مقاله با تأکید بر اهمیت مرحله صورت‌بندی مسئله به شکل روشمند و نظام‌مند، جهت نیل به یک بسته سیاستی موفق، صورت‌بندی مسائل شیوه پالایش فضای مجازی در ایران را مورد نظر قرار داده است. در اینجا تأکید می‌شود که علاوه بر وجود مشکلات عدیده پالایش در ایران، نگارنده این مقاله به هیچ عنوان قائل به عبث بودن پالایش و در نتیجه منتفی کردن آن نیست، بلکه ضمن اذعان بر ضعف بودن شیوه فیلترینگ، بر دوام آن مخصوصاً برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه از جمله کودک و نوجوان تأکید دارد. لفظ شیوه که در عنوان این مقاله آمده است ناظر به این نکته است.

صورت‌بندی مسائل شیوه پالایش (فیلترینگ) فضای مجازی در ... ۲۷۷

در یک جمع‌بندی می‌توان مسائل و مشکلات شیوه پالایش فضای مجازی در ایران را بر اساس مدل ذیل صورت بندی کرد:



شکل ۷- مدل پارادایمی مسائل پالایش فضای مجازی در ایران

با توجه به مدل ارائه شده می‌توان پیشنهادهای سیاستی و پژوهشی ذیل را ارائه کرد:
 - نظام پالایش غیرمتمرکز مردمی، راه‌حل اساسی بهبود نظام پالایش در ایران است. در این نظام:

- کاربران بر اساس نیاز و توانمندی از یکدیگر تفکیک می‌شوند.
- پالایش کم‌اشتباه‌تر خواهد بود.
- امکان دور زدن پالایش کمتر خواهد شد؛ چراکه پالایش در مقصد و ارتباط‌گیر خواهد بود.
- پیامدهای منفی فرهنگی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی کاهش می‌یابد.
- نقش مردم در پایش جدی‌تر خواهد بود.
- طراحی نظریه سیاستی پالایش یکی از موضوعات پژوهشی مورد نیاز در کشور است که بر اساس آن چارچوب نظری حاکم بر پالایش روشن می‌شود.
- لازم است پالایش به عنوان تنها بخشی از نظام سالم‌سازی فضای مجازی و نه تمام آن دیده شود. در واقع فیلترینگ باید به عنوان تنها یک قطعه از پازل سالم‌سازی دیده شود تا نقش صحیح خود را بازیابد.

پی‌نوشت‌ها

۱. با دو تن از مصاحبه‌شوندگان به دلیل اهمیت مصاحبه و ناتمام بودن آن، ۲ بار گفتگو صورت گرفته است. (مصاحبه‌شوندگان شماره ۲ و ۱۳ در جدول)
۲. طبیعتاً با توجه به قول اخلاقی نگارنده به مصاحبه‌شوندگان مبنی بر حفظ گمنامی در پژوهش، به دلیل ۱- حساسیت برانگیز بودن موضوع و ۲- اجتناب از خودسانسوری مصاحبه‌شونده، از ذکر نام مصاحبه‌شوندگان معذور می‌باشیم.
۳. با توجه به اینکه در مقالات با محدودیت حجمی در گزارش‌دهی مواجهیم، بالاجبار گزاره‌ها و جداول کدگذاری حذف شد. به صورت اجمالی می‌توان گفت که در بخش مفهوم‌پردازی کدگذاری باز، از ۱۸۶ گزاره مستخرج از مصاحبه‌ها، ۲۰۷ مفهوم استخراج و در بخش مقوله‌بندی کدگذاری باز، مفاهیم مذکور در ۳۰ مقوله طبقه‌بندی شد. در نهایت در کدگذاری محوری، ۳۰ مقوله ذیل عناصر پارادایمی ۷ گانه تقسیم‌بندی شدند.

کتاب‌نامه

- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صورت‌بندی مسائل شیوه پالایش (فیلترینگ) فضای مجازی در ... ۲۷۹

- اسدی، عباس و بابازاده مقدم، حامد (۱۳۹۶)، «اصول پالایش (فیلترینگ) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی»، مطالعات رسانه‌های نوین، شماره ۹، صص ۱۶۳-۱۹۴.
- اسماعیلی، محسن و نصراللهی، محمد صادق (۱۳۹۵)، «پالایش فضای مجازی؛ حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی»، دین و ارتباطات، شماره ۴۹، صص ۵۳-۸۰.
- جاویدنیا، جواد، عابدی سرآسیا، علی‌رضا و سلطانی، عباس علی (۱۳۹۴)، «مقاله واکاوی پالایش محتوای مجرمانه از منظر فقهی»، دین و ارتباطات، شماره ۴۸، صص ۳۵-۶۲.
- حسین‌نژاد، سیدمجتبی و منیری حمزه‌کلایی، حمیدرضا (۱۳۹۶)، «تحلیل و بررسی فقهی اجرای فیلترینگ در فضای مجازی»، حکومت اسلامی، شماره ۸۴، صص ۲۷-۵۶.
- ذوالفقاریان، محمدرضا و لطیفی، میثم (۱۳۹۰)، نظریه پردازی داده بنیاد با Nvivo8، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- رحمتی، حسینعلی و شهریار، حمید (۱۳۹۶)، «فیلترینگ و دشواره تراحم اخلاقی»، پژوهشنامه اخلاق، شماره ۳۷، صص ۷-۲۲.
- سعد، علی (۱۳۹۴)، «درآمدی بر سیاست‌های فیلترینگ سایت‌های اینترنتی»، مطالعات رسانه‌های نوین، شماره ۲، صص ۹۵-۱۰۸.
- شکرخواه، یونس (۱۳۷۰)، واژه‌نامه پژوهش‌های ارتباطی و رسانه‌ای، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فلیک، اووه (۱۳۹۱)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- لیندلف، تامس و تیلور، برایان (۱۳۸۸)، روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: همشهری.
- وحید، مجید (۱۳۸۸). سیاست‌گذاری عمومی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

Creswell, John W. (2012), Educational Research; Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research, Boston: Pearson.

Dunn, William N. (2007). Public Policy Analysis: An Introduction, New Jersey: Pearson.

Greenfield, Paul & Rickwood, Peter & Tran, Huu Cuong (2001), Effectiveness of Internet filtering Software Products, CSIRO.

Mopris, William (1982), the American heritage dictionary of the English language, Boston: American Heritage Publishing Co., Inc.

Summers, Della (2008), Longman dictionary of contemporary English, Essex: Pearson.

Wehmeier, sally (2005), oxford advanced learner's dictionary of current English, Oxford: Oxford university press, 7th edition.

Mianeh.net

Isna.ir

Itna.ir